

بچه‌ها را بچه‌داری بچه‌گیری؟

در بیشتر از کشورهای جهان و از جمله ایران خانم‌ها ، غالباً دارای کارها و مشاغل در خارج خانه هستند و ناچارند که هم کارهای خانه و هم کارهای خارج را انجام دهند . برای این قبیل خانمها مسئله‌ای که از همه مهمتر است این است که بچه خود را موقعی که سرکار میروند به چه کسی بسپارند و در حقیقت بزرگترین مشکل آنها پیدا کردن شخص مورد اعتمادیست که بتوانند در غیاب خود کودکشان را زیر نظر و مراقبت او قرار دهند .

این موضوع یعنی یافتن کسی که بتوان بچه‌ها را با وسپرد ، تنها برای مادرائی که در خارج کار میکنند و یا پدرانی که بدلائلی همسران خود را از دست داده‌اند مطرح نیست ، بلکه بکرات پیش می‌آید که آقا و خانم خانه میخواهند دو نفری و بدون بچه‌ها به مسافرت کوتاه و یا سینما و گردش بروند و بطور خلاصه چند ساعت یا چند روز از منزل خود غیبت کنند و نمیدانند که در این مدت بچه‌های خود را چه کنند و در چه شرایطی تحت مراقبت و سرپرستی یک نفر دیگر قرار دهند .

بسیاری از مادران و پدران وقتی هم که چنین کسی را پیدا کنند ، وقتی که بمسافرت میروند و وقتی که برای مدت کوتاهی از منزل خارج میشوند ، خیالشان راحت نیست و از جانب بچه‌های خود نگرانند . آنها نگران هستند که می‌آدا بچه در غیاب آنها بی‌تربیت شود ، حرفهای بد یاد بگیرد و کارهای ناشایست کند ، نگرانند که یک وقت کسی که بچه خود را به او سپرده‌اند با کودک بد رفتاری کند و پاره‌ای از اوقات هم دچار حسادت میشوند که بچه با مراقب خود پیش از آنها مأنوس نشود و عشق و محبتی زیاده‌تر از پدر و مادرش باو پیدا نکند .



شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بچه‌ها را برای چند ساعت به چه کسی میتوان سپرد؟

پدران و مادرانی که بچه خود را برای چند ساعت بطور متناوب بمنظور خروج از منزل میخواهند به کسی بسپارند، در درجه اول باید یک اعتماد متقابل میان بچه و خودشان بوجود آورند که بچه همه ماجراها و اتفاقاتی را که در غیاب آنها روی میدهد، وقتی که بخانه بازگشتند، برایشان تعریف کند و بدین ترتیب متوجه میشوند که در مدت غیبت آنها چه کارهایی بدرستی انجام نشده است و چه تذکراتی را باید بمراقب فرزند خود بدهند و در صورتیکه با کودک بد رفتاری شده و از او خوب مراقبت نشده بچه را دفعه بعد نزد مراقب دیگری بگذارند.

در مورد کودکان خردسال و شیرخوار در این مورد وضع دشوارتر میشود زیرا بچه‌های کوچک و شیرخوار درست عقلشان نمیرسد که همه چیز را به پدر و مادر خود بگویند و پدر و مادرها باید دقت بیشتری در انتخاب مراقب بچه بکنند. کودکان خردسال و شیرخوارها را باید نزد کسانی گذارد که بچه خیلی با آنها آشنا باشد. مراقب کودکان خردسال باید آرام، با حوصله باشد و زبان کودک سرش بشود و بتواند سر او را گرم کند و بعلاوه باید آنقدر خونسردی در کار خود داشته باشد که اگر حادثه‌ای پیش آمد دست و پای خود را گرم نکند و از همه مهمتر باید طوری اعتماد متقابل میان پدر و مادر و مراقب کودکان وجود داشته باشد که اگر مراقب بچه‌ها به پدر و مادر اطلاعی از چگونگی رفتار کودک آنها داد، باور کنند.

باید اعتراف کرد که نگرانی آنها هم بيمورد نیست و از هر حیث بجاست و اتفاقاً پدران و مادرانی که نگران میشوند بهتر از آنهایی هستند که خونسرد، کودک خود را رها میکنند و میروند ولی اصولاً در این مورد چه میتوان کرد؟ در درجه اول بطور میتوان افراد مناسب و قابل اعتماد را برای مراقبت از بچه‌ها و سپردن آنها پیدا کرد و در درجه دوم این افراد چه خصوصیتی را باید عهده‌دار باشند؟ و پدر و مادرها پس از سپردن کودک خود چه باید بکنند؟ در مورد قسمتی از خانمهایی که کار خارج دارند معمولاً مادر بزرگ بچه حاضر میشود که از کودک در غیاب مادر او نگهداری کند ولی همه مادر بزرگ‌ها هم حال و حوصله این کار را ندارند. برای پیدا کردن جواب این سئوالات متعدد مجله معروف «الترن» که مجله خانوادگی آلمان غربی است با چند نفر از کارشناسان علوم تربیتی و روانشناسان و کارکنان کودکان کارکنانها و بالاخره کسانی که با بچه‌ها سروکار داشته و بروحیه آنها آشنائی دارند مصاحبه کرده است و این مقاله نتیجه اظهارنظرهای آنهاست:

در این مورد بطور کلی، این کارشناسان چنین اظهار عقیده کرده‌اند که اولاً کسی که بچه‌ای را دوست داشته باشد و از او خوشش بیاید و کسی که برای بچه شخصیت قائل باشد از نظر سپردن بچه قابل اعتماد است و چنین شخصی هرگز حاضر نمیشود به کودک لطمه و آسیبی وارد شود. ثانیاً برای اینکه چنین افرادی بتوانند بخوبی از بچه‌ها مراقبت و نگهداری کنند باید یک توافق فکری و درک کاملی میان پدر و مادر کودک و مراقب او وجود داشته باشد.

سپردن بچه‌ها برای چند روز یا چند هفته

معمولاً در بیشتر خانواده‌ها پدرها ترجیح میدهند که بچه‌ها را در تعطیلات و مسافرت‌ها همراه نبرند. شاید منطقی آنها از لحاظ آنکه باین ترتیب استراحت بیشتری میکنند درست باشد ولی بهرحال باید دانست که بچه‌ها از این وضع رنج میبرند و بهترین راه حل برای این منظور آنست که پدران، خودشان به تنهایی بمسافرت بروند و مادرها و بچه‌ها را در خانه بگذارند و آنها را بعد از آنکه از مسافرت بازگشتند برای تفریح و استراحت بفرستند. اگر اینکار عملی نباشد و پدر و مادر ترجیح دهند که حتماً باتفاق مسافرت بروند و بچه‌ها را با خود نبرند، دراین صورت باید ب فکر پیدا کردن یک فرد مورد اعتماد باشند که بتوانند بچه‌ها را باو بسپارند. دراین مورد هم پدر و مادر نباید فراموش کنند که پرستار و مراقب بچه آنها نباید کسی باشد که فقط کارهای خانه، آشپزی و نظافت را خوب انجام دهد، بلکه این پرستار یا مراقب باید این خصوصیت را داشته باشد که بتواند اعتماد بچه‌ها را به خود جلب کند و غم دوزی از پدر و مادر را از قلب آنها بزداید و سعی کند که با آنها مهربان و خوب باشد نه آنکه فقط از بچه‌ها انتظار اطاعت و حرف شنوی را داشته باشد.

اگر بچه‌ها، مادر بزرگ ندارند که بتوانند آنها را نزد مادر بزرگشان بگذارید بهتر آنست که یک نفر زن جوان و با حوصله را در مقابل دادن دستمزد فقط برای مراقبت و پرستاری بچه‌ها استخدام کنید و نگهداری و سرپرستی بچه‌ها را به کلفت و خدمتکار خانه

که هزارگرتاری دیگر هم دارد واگذار نکنید. رامحل دیگر آنست که بچه‌ها را از خانه خود خارج کرده و بخانواده‌ای که خودشان هم چند بچه دارند بسپارید و البته در مقابل اینکار بانها پولی بدهید یا تعهد کنید که شما هم بنوبه خود بچه‌های آنها را هر وقت که خواستند نگهداری نمائید و بچه‌ها باین ترتیب راحت‌ترند زیرا همبازی‌های جدیدی پیدا میکنند و سرگرم میشوند ولی بهتر این است که قراری بگذارید و ترتیبی بدهید که بچه‌ها هر وقت خواستند بتوانند با شما در مسافرت تماس بگیرند. این کار خیال آنها را راحت‌تر خواهد کرد.

سپردن بچه‌ها بطور مرتب و روزانه

حالا باید دید که اگر مادری بعلت کارهای خارج از خانه، ناچار شد هر روز بچه خود را در خانه بگذارد باید او را به چه کسی بسپارد؟ جواب دادن باین سؤال کلی، مشکل است مخصوصاً در موردی که مادر ناچار شود بلافاصله پس از وضع حمل در خارج از خانه کار کند، معمولاً مادرانی که از نظر علاقه به شغل و حرفه و یا از نظر احتیاجات مادی خود را ناچار میکنند که در خارج از خانه بکار بپردازند باید قبل از همه چیز چند نکته را مورد توجه قرار دهند.

* بچه‌های شیرخوار گرچه در درجه اول احتیاج به نظافت و تمیز کردن دارند ولی چیزیکه برای آنها از نظر پرورشی مهمتر است احتیاجی است که آنها به محبت دارند. محبت و صمیمیت مادرانه. بنابراین کسی را که برای پرستاری و مراقبت از بچه‌ها انتخاب میکنید باید صمیمی، خوش قلب و مهربان باشد.

* بچه‌های شیرخوار به کسی احتیاج دارند که سرفرصت و با سهریانی آنها را مورد محبت و نوازش قرار دهد و کسی را می‌خواهند که با او انس بگیرند. بنابراین پرستار و مراقب بچه باید شخصی باشد که اگر بچه زیاد با او مانوس شده و مهر بورزد مورد حسادت اولیا واقع نشود و پدر و مادر بچه با او کاملاً خوشبین بوده و اعتماد داشته باشند. این نکته مخصوصاً از این نظر قابل ذکر است که پاره‌ای از مادران به کسی که مورد محبت بچه آنها واقع شده حسادت میکنند و حتی برایشان غیرقابل تحمل است که بچه، مادر- بزرگش را هم بیشتر از آنها دوست داشته باشد.

* برای بچه‌های شیرخوار، جدائی و دور شدن از پرستار و کسی که مورد محبت آنها واقع میشود خیلی دشوار است. تنها بچه‌ها در سن کودکستان میتوانند دوری و جدائی از پرستار خود را تحمل کنند و بدین ترتیب کسی که بعنوان پرستار و مراقب بچه شیرخوار تعیین میشود باید کسی باشد که میتواند مدت نسبتاً طولانی حداقل تا سن کودکستان بکار خود ادامه دهد و در غیر اینصورت بچه از نظر عاطفی لطمه شدیدی می‌خورد.

* بچه‌های کوچکتر از سه سال را حتی - الامکان نباید به پرستاران و مراقبان سپرد که بزبان مادری بچه آشنائی ندارند زیرا با این ترتیب بچه‌ها زبان مادری خود را بطور عمقی نمیتوانند فرارگیرند و باصطلاح دو زبانه بار سیایند یعنی نیمی از زبان مادری خود و نیمی از زبان پرستار را یاد می‌گیرند که در آینده برای آنها مشکلاتی بیار می‌آورد.



مثلاً پرستارانی که در زندگی زناشویی دچار شکست و جدائی شده‌اند آنهایی که خودشان بعلتی بچه‌دار نشد و نازا باقی مانده‌اند و باین جهت به مادر کودک حسادت می‌ورزند و بالاخره پرستارهایی که در خانواده خود با زجر و عذاب بزرگ شده‌اند، بهیچ وجه مناسب برای سرپرستی کودک کان نیستند و نباید کودک بیگناه را بدست چنین پرستارانی سپرد.

* پدران و مادران باید در هر حال نسبت به کسی که بعنوان پرستار یا مراقب بچه خود انتخاب می‌کنند اعتماد داشته باشند. غالباً با او در مورد چگونگی پرورش کودک خود مذاکره کرده و مشورت نمایند و یک راه حل مورد قبول دو طرف را پیدا نمایند. معمولاً این پرستاران روی بچه‌ها نفوذ زیادی دارند و بهمین جهت است که باید تکلیف کار و روش پرورش بچه تعیین شود و آنها بطرز این روش رفتار کنند. هر روز طبق دستور و توجه پدر و مادر روش خود را عوض نکنند زیرا بچه نمیتواند هر روز خود را عوض کند.

* بدترین وضع ممکن آنست که میان پدر و مادر و پرستار بچه اختلاف نظر وجود داشته باشد و پدر و مادر بخواهند که بچه خود را مخالف نظر پرستار پرورش دهند در غیر این صورت کودک بکلی گیج میشود و نمیداند حرف چه کسی را گوش کند و درست را از نادرست تشخیص نمیدهد در این قبیل موارد پدر و مادر، باید قاطعیت از خود نشان دهند یعنی یا اینکه تسلیم نظر پرستار شوند و حرف او را بپذیرند و در اینصورت روی نظرات خود پافشاری نکنند و یا آنکه پرستار او را وادار کنند که تسلیم نظر آنها شود و در غیر این صورت هم فکر پرستار دیگری برای بچه خود باشند.

* حالات روحی و عقده‌های پرستار در چگونگی پرورش کودک اثر فوق‌العاده‌ای دارد که هرگز نمیتوان متکرر آن شد و پدران و مادران باید حتی المقدور پرستارانی را برای بچه خود انتخاب کنند که زندگی خانوادگی روشنی داشته و فارغ از عقده‌های مختلف باشند.

